

معتزله

بحشی در باب مکتب و نظری به منابع

از : مظفر بختیار

I

خمسہ معتزله یعنی قول به وعدو وعید کہ عبارتست از اعتقاد داشتن به صدق خداوند در بیم و نوید خود صورت بسته است. (۹) و اطلاق معطله بر آنان بخاطر آنست کہ ایشان خداوند را از صفات قدیم عاقل می دانستند یا به قول شهرستانی ظواهر آیات را عاقل دانسته به تأویل دست می زدند. (۱۰) این نام را به جهمیه هم کہ نظیر همین عقیده را در تعطیل صفات قدیم داشتند داده بودند.

(۲) اصول عقاید معتزله در پنج چیز است کہ بر رویهم آنها را «اصول خمسہ» گویند: توحید، عدل، وعدو وعید، امر به معروف و نهی از منکر و اعتقاد داشتن به المنزلة بین المنزلتین (۱۱) کہ در حقیقت اصل اخیر موجب اختلاف میان واصل بن عطاء بسا استادش حسن بصری (س-۱۱۰) گردید و باعث پدید آمدن این مکتب کلامی شد. بدین معنی کہ هم زمان با نشأت معتزله خوارج عقیده داشتند کہ مرتکب گناه کبیره کافر است و حتی فرقه‌یی از آنها به نام ازرقه بر آن بودند کہ کودکان کسی هم کہ گناه ورزیده است باید کشته شوند. برخلاف آنان مرجئه تشخیص کفر و ایمان را کہ امری درونی است از جانب بندگان روا نمی دانستند و تعیین آن را به ساحت پروردگار واگذار می کردند. امام معتزله در برابر این دو عقیده برای گناهکار مرتبه‌یی میانگین قائل شدند: المنزلة بین المنزلتین، یعنی وی را مؤمن اما به خاطر گناهی کہ از او سرزده است فاسق دانستند، بنا بر این گناهکار در نزد معتزله نه مؤمن راستین بود و نه کافر مطلق. باری این اصول خمسہ را قاضی عبدالجبار در کتاب شرح الاصول الخمسة شرح کرده است و میان اصول عقاید شیعه امامیه با معتزله چنانکه علامه حلی در نهج الحق و کشف الصدق به تحقیق پرداخته است سازگاری بسیار هست.

(۳) اعتزال دو مکتب بزرگ دارد: یکی مکتب کوفه کہ از نام بردارترین رجال آن واصل بن عطاء، عمرو بن عبید، ابوالهذیل، ابراهیم النظام و جاحظ است. و دیگری مکتب

(۱) هنگامی کہ حکومت بنی امیه به فرجام سیاهکاریهای خود در کام دریای خونی کہ برپهنه زادگاه اسلام برآورداخته بود غوطه می خورد و فرو می رفت و سایه سرد و سیاه زوال بر سریر خلافت فرزندان بسوسقیان دامن گسترده بود در میان همه غوغای شیعه و خوارج و مرجئه کہ در برابرهم قرار گرفته بودند، معتزله (۱) از بصره سر بر آوردند. ایشان خود را بنام «اهل عدل» و «اهل توحید» یا «عدلیه» و «موحده» (۲) خوانده بوده اند، زیرا اعمال بنده را به خود او باز می گذاردند و ساحت خالق را از اینکے نسبت شریکان داده شود منزه می داشتند. چنانکه بر خود نام «اهل حق» (۳) نیز نهاده بودند، چه می پنداشتند کہ تنها خودشان بر طریق حق اند و دیگران راه گمراهی می پویند. ولی مخالفان شان از ایشان به «قدریه» و «ثنویه» و «مجوسیه» یا «وعیدیه» و «معطله» هم چنین «جهمیه» - یعنی با اسم فرقه‌یی کہ پیش از آنان ظهور کرده بوده است - و حتی «مخانیث الخوارج» هم تعبیر کرده اند. اطلاق «ثنویه» بر آنها از اینروست کہ صدور خیر را از جانب خداوند و ظهور شر را از سوی بنده می دانستند، یعنی در واقع به دو مبدأ قائل بودند. (۴) از آنسبب به قدریه هم خود معتزله سخت تبری جسته و اعتقاد داشته اند کہ مخالفان شان یعنی جبریه (جایز است در برابر قدر بروزن قدر خوانده شود) (۵) کہ قدر را نمی پذیرفتند باید باین لقب خوانده شوند. علت آنهم به حدیث معروف «القدرية مجوس هذه الامة» فان مرضوا فلا تعود هم وان ماتوا فلا تشهد واجناز هم» (۶) باز می گردد. چنانکه مجوسیه هم از همین بابت به ایشان گفته شده است. نسبت دادن این طایفه به خوارج - یعنی معارضان آنها - تنها از این جهت است کہ معتزله و بخصوص رؤسای ایشان مانند خوارج روادارند کہ مرتکب کبیره جاودانه در دوزخ بمانند. (۷) اطلاق جهمیه بر ایشان از آنروست کہ این فرقه بسیاری از آراء جهمیه را اخذ کرده اند، والبتة برای عدم التباس جهمیه اصلی را جهمیه اولی گویند. (۸) تسمیه وعیدیه نیز از روی یکی از اصول

بغداد است که بشر بن المعتمر، ابو موسی المرادار، ثمامة بن الاشرس و احمد بن ابی داوود از معارف آن هستند .

این طایفه در آغاز مبارزه بی سخت باز نادقۀ ثنویه و نصاری و یهود و مجوس و اهل حدیث بنیاد نهادند و بعدها که فلسفۀ یونان نیز با عقاید اسلامی به معارضه پرداخت دفاع از اسلام را در برابر حکمت یونان با حربه همان فلاسفه بر عهده گرفتند. و البته کوشش های آنان در دفع خطری که از این رهگذر متوجه دنیای اسلام شده بود و موجب پیدایش علم کلام گردید در خور اهمیت فراوان است .

باری ، معتزلیان که در آغاز خوش درخشیدند و مبارزه بی متین و معقول با مخالفان خود در پیش گرفتند ، سرانجام با برپا کردن آن مجالس «محنه» (۱۲) - که اتفاقاً به مدعیان ایشان در نظر عوام مسلمانان چهره بی حق بجانب می بخشید - و سختگیریهای بی دریغ و آزارهای بی امان که حتی به دستور المعتمد بالله بنایان زدن امام احمد حنبل پیشوای مذهب حنبلی نیز انجامیده بود ، قبول عام خویش را از دست دادند . اختلافاتی هم که رفته رفته در میان خود آنان بروز کرده بسود مزید بر علت گردید و البته اینهمه را موجباتی دیگر هم بسود از قبیل : تصرف زیاد آنها در احکام ظاهری اسلام ، افراط در آمیختن دین با فلسفه و گستاخی و زیاده روی در انتقاد از صحابه . و البته مومنان را این معنی خوشایند نبود. چندانکه معتزلی ما تندر افضی در ردیف تهمت کفر و الحاد و زندقه قرار گرفت (۱۳) و آخر الامر نیز سبب شد که در این نزاع عقلی معتزلیان مغلوب و دست فرسوداشعریان شوند.

II

البته در وهله اول مستندترین منابع برای تحقیق در باب هر فرقه آثار خود آنهاست، معتزله نیز تألیفات بسیار در توجیه عقاید خود دارد و نقض بر آراء مدعیان و مخالفان داشته اند و در این راه با مایهیی که از حکمت یونان گرفتند در میان مسلمانان پیش قدم گشتند و بعد از آنهاست که سایر فرق اسلامی هم بدین کار پرداخته اند. این مؤلفان گرچه در این باب تعصب و برزیده اند و بسیاری از حقایق تاریخی را در پس پرده تعصبات خود پنهان داشته اند : و حتی این تزویر و تدلیس را خدمت بمذهب و ایمان خود نیز دانسته اند و بهمین علت کمتر میتوان از فحوای این مراجع میان مؤمنان پاک نهاد و راستین باین رنگ سازان و معخرقه گران و طراران تفاوت نهاد ، اما از یکسو با اینهمه ضد و نقیض برای پژوهشگر حقیقت جو میتواند خود مایهیی باشد در پی بردن به اندازه تعصبات و تشتمت آراء و عقاید و اهواء در دوره مورد بحث ما .

۴) بهر تقدیر اولین نوشته هایی که در میان مسلمانان راجع به ملل و نحل پدید آمد این گونه آثار معتزله است. ابن الندیم در الفهرست نام بسیاری از این کتب را می برد که پارهیی از آنها بدست رؤسای معتزله نوشته شده است ، ولیکن هیچیک از آنها تا کنون بدست ما نرسیده است . یاقوت به تنهایی برای جا حظ صدوجهل تصنیف در موضوعات گوناگون نقل میکند . (۱۵)

همچنانکه اسامی پارهیی از مصنفات معتزله که در کتاب الانتصار ابو الحسن خیاط آمده است و نیبر که آنها را ترتیب داده بالغ بر چهل کتاب میشود. (۱۶) آرنولد نیز در فهرستی که از مراجع معتزلی ابن المرتضی در المنیة والامل بدست داده است از هفتاد کتاب نام می برد . (۱۷) امامتأسفانه از اینهمه آثار جز اندکی بدست ما نرسیده است . از آنهاست : کتاب درة التنزیل وغرة - التأویل از ابو عبدالله اسکافی (- ۲۴۰) والانتصار والرد علی ابن - الراوندی الملحد از ابوالحسین عبدالرحیم خیاط (- ۳۰۰) و کتاب مفصل المعنی از قاضی عبدالجبار بن احمد (- ۴۱۵) که از مهمترین کتب در باب عقاید این فرقه است ، دیگر تفسیر معروف الکشاف است از زمخشری (- ۵۳۸) والمنیة والامل از احمد بن یحیی المرتضی الزیدی (- ۸۴۰) که از مراجع مهم تحقیق درباره معتزله است . پس از اینها کتاب العلم الشامخ فی اثبات الحق علی - الالباء و المشایخ از شیخ صالح المقبلی (- ۱۱۰۸) قرار دارد که مؤلف زیدی معتزلی مذهب بوده است و در کتاب خود سخت بر اشاعره تاخته است .

۵) گذشته از این منابع اصلی مطالب پارهیی از کتب ادب بخصوص آنهایی که بدست مؤلفان معتزلی مذهب نوشته شده است برای بررسی درباره این فرقه سودمند است . نظیر آثار جاحظ بخصوص البیان والتبیین والمحاسن و الاضداد او همچنین کتاب الفصول المختارة من کتب الجاحظ که امام عبیدالله بن حسان گرد آورده است . یا برخی از کتب دیگر ادب از قبیل الکامل فی - اللغة والادب از ابو العباس مبرد (- ۲۸۵) یا العقد الفرید از ابن عبدریسه (- ۳۲۸) و المحاسن و المساوی از ابراهیم بن محمد بیهقی (- ۳۲۰) و آثار ابوبکر خوارزمی (- ۳۸۳) مانند رسائل یا مفید العلوم و میبدالهموم او یا الاغانی از ابوالفرج اصفهانی (- ۳۵۶) و زهر الادب از الحصری (- ۴۵۳) و سراج الملوك از ابوبکر طرطوشی (- ۵۲۰) و منابع عمومی نظیر ارشاد الاریب (معجم الادباء) از یساقوت الحموی (- ۶۲۶) یا وفيات الاعیان از ابن خلکان (- ۶۸۱) و صبح - الاعشی از احمد القلقشندی (- ۸۲۱) و خزانة الادب از عبدالقادر بغدادی (- ۱۰۹۳) که فوائد بیشتری از دیگر منابع عمومی در بر دارند .

۶) این قلت منابع اصلی محقق را بر آن می دارد که برای تحقیق در باب معتزله به کتابهایی که در تاریخ ادیان به عنوان ملل و نحل و مقالات یا آراء و دیانات نوشته شده است نیز نظر افکند . از این دست منابع است فرق الشیعة ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (- ۳۰۰ تا ۳۱۰) که تا پیش از آنکه کتاب المقالات والفرق از سعد بن عبدالله اشعری بدست آید برخی آنرا از اشعری می دانستند (۱۸) ، یا فقراتی که ابن جوزی در تلبیس ابلیس از کتاب دیگر نوبختی بنام الآراء والدیانات نقل کرده است و آن ملنقطات مختصر رابشر در پایان مقدمهیی که بر فرق الشیعه نوشته کرد آورده است ، یا کتاب الفرق بین الفرق که از امام عبدالقاهر بغدادی (- ۴۲۹) است و آنرا عبدالرزاق الرسنی

صاحب کتاب اعتقادات فرق المسلمین حوالی سال ۶۴۷ خلاصه کرده است و مختصر الفرق بین الفرق نامیده است. الفصل فی الملل والاهواء والنحل که امام ابن حزم ظاهری اندلسی (۴۵۶-) نوشته است نیز از مآخذ معتبر بشمار است. در زمره معروفترین این مراجع الملل والنحل است از امام محمد بن عبدالکریم شهرستانی اشعری (۵۴۸-) که خواجه افضل بن صدر یا افضل الدین صدرتر که اصفهانی آنرا بنام تنقیح الادلة و العلل فی ترجمة الملل والنحل در اواسط قرن نهم به زبان فارسی ترجمه کرده است و از خود نیز فزون و کاستهایی در اصل کتاب روا داشته، از الملل والنحل ترجمه های متعدد دیگر نیز به زبان های زنده در آورده اند. دیگر از این کتابها کتاب البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار از المهدی لدین الله احمد بن یحیی المرتضی الیمنی صاحب کتاب معروف المنیة والامل است. پاره‌یی از آثار ابن قیم الجوزیه حنبلی (۷۵۱-) از قبیل مختصر المواعق المرسله یا الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی نیز در این تحقیقات سودمند است. چنانکه بفیة المرتاد از امام تقی الدین ابن تیمیة حرانی حنبلی (۷۲۸-) نیز می‌تواند در جوار آنها قرار بگیرد.

به زبان فارسی هم از این دست منابع در دست است، از قبیل بیان‌الادیان که ابوالمعالی محمد بن عبیدالله از سادات علوی آنرا در سال ۴۸۹ نوشته. همچنین است کتاب تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام که مؤلف نا شناخته آن از علمای شیعه امامیه بوده و کتاب خود را در اوایل قرن هفتم تألیف کرده است یا رساله‌یی مختصر از مؤلفی بی نام و نشان که آنرا بنام هفتاد و سه ملت چاپ کرده اند. و همانند آنست کتاب الفرق که در مجموعه‌یی که آقای محمد باقر سبزواری بنام چهارده رساله منتشر کرده اند بطبع رسیده است و فصلی از آن در اصل بزبان فارسی بوده. یا رساله معرفة المذاهب که آقای علی اسفرحکمت آنرا در مجله دانشکده ادبیات [تهران] (ج ۴ ش ۱) طبع کرده اند.

(۷) از اینها گذشته در مطاوی بسیاری از متون تاریخی نیز می‌توان بمناسبت اطلاعاتی ارزشمند درباره معتزله کسب کرد نظیر همین اطلاعات از کتب جغرافیائی و سفرنامه ها نیز بدست می‌آید. البته این منابع گرچه مآخذ اصلی نیست ولی گاه پاره‌یی از مطالب آنها مکمل اطلاعاتی که از منابع اصلی بدست می‌آید می‌تواند باشد.

(۸) دیگر از منابع تحقیق راجع به معتزله کتب عقاید است. گرچه این منابع هم مانند دیگر منابع دوران تصب و رزی مؤلفان خود نیست اما باهمة احوال با وجود آنها برای محقق در بایست است. از این کتب است: تأویل مختلف الحدیث فی الرد علی اعداء اهل الحدیث از امام ابن قتیبه دینوری (۲۷۶-) بالابانة فی اصول الدیانة از ابوالحسن اشعری (۳۳۰-) و رساله‌یی

از هو بنام استحسان الخوض فی الکلام. کتاب اصول الدین تألیف عبدالقاهر بغدادی نیز مباحثی مفید درباره اصول اعتقادات دارد. چنانکه جرح و تعدیل امام ابو حامد غزالی (۵۰۵-) در باب عقاید در کتاب الاقتصاد فی الاعتقاد البته بسیار سودمند و حاکی از دیدگاه وسیع مؤلف است. همو کتابی دارد بنام المنتقمن الضلال که با آنکه مستقیماً در ردیف این قبیل منابع قرار نمی‌گیرد، اما بهر حال خالی از فایده نیست. کتاب دیگر او المستصفی من علم الاصول نیز مباحث فراوانی درباره اصول تطبیقی اسلام دارد. امام عمر نسفی حنفی ما تریدی (۵۳۷-) کتابی دارد بنام العقاید النسفیة که با آنکه خالی از سخنگیری و تمصب و رزی مؤلف نیست با این حال از مآخذ با ارزش بشمار می‌آید. نهایتاً اقدام فی علم الکلام تألیف شهرستانی نیز با احاطه‌یی که مؤلف آن در تحقیق در باب ملل و نحل دارد، البته در جوار این گونه مراجع قرار می‌گیرد. چنانکه حدائق الفصول و جواهر العقول از محمد بن هبة الملکی با آنکه قصبه‌یی در علم کلام بیش نیست معیناً از آنها می‌توان بهره جست. همین گونه است اتحاف السادة المتقین بشرح اسرار احیاء علوم الدین از محمد الزبیدی (۱۲۰۱-) که در شرح دقایق و غوامض احیاء العلوم غزالی است، اما جای جای در آن مطالب سودمندی در باره اصول عقاید توان یافت.

(۹) پاره‌یی از تحقیقات معاصران در باب معتزله نیز ارزشمند است که در رأس آنها کتاب المعتزلة تألیف زهدی حسن جارالله قرار دارد و از تحقیقات سودمند دقیق برخوردار است. کتاب تاریخ الجهمیة و المعتزلة از جمال الدین قاسمی دمشقی نیز از مصادر با ارزش است. جز اینها در مصنفات متأخران از قبیل عصر المأمون از احمد فرید الرقاعی یا فجر الاسلام وضحی الاسلام از احمد امین و القدریم و الحدیث از کرد علی و تاریخ التمدن الاسلامی از جرجی زیدان یا جلد اول مصادر الدراسة الادبیة از یوسف اسعد داغر و کتاب ابراهیم بن سيار النظام از عباس محمود المعاد و التراث اليونانی فی الحضارة الاسلامیة از عبدالرحمن بدوی تحقیقاتی در باره معتزله شده است.

تحقیقاتی هم که دانشمندان عرب در این باب به صورت مقاله نشر داده‌اند فوائد فراوان در بردارد، که از جمله آنهاست: مقاله مفصل عبداللطیف الطیبی در الکشاف (۳/۴۹۶-۵۱۱) که در باب مآخذ و مصادر هم توضیحات فراوان دارد. همچنین مقاله حسن السندی بعنوان الاعتزال و المعتزله صفحه من التاريخ الفکری فی الاسلام (السیاسة الاسبوعية ۸/۱۴۰)، و نیز مقالاتی دیگر از هو در باب حسن بصری (السیاسة الاسبوعية ۸/۱۴۵) و واصل بن عطاء (ایضاً ۱۶/۱۴۸) و شیخ المعتزله (ایضاً ۲۰/۱۵۳) و عمرو بن عبید (ایضاً ۲۳/۱۵۸). مقاله احمد احمد بدوی راجع به اثر جبر و اختیار در ادب (المعرفة ۱/۷۳۱) همچنین تحقیقات عبدالعزیز السباع راجع به جبر و اختیار (المعرفة ۱/۸۹۱) محتوی فوائد بسیار است. دکتر محمد غلاب نیز مقالاتی در

باب کلام و متکلمان در چندین شماره از مجله الاظهر (سال ۱۱) نوشته که در آن راجع به معتزله سخنان بسیار رفته است. چنانکه مقاله محمد کرد علی درباره معتزله (المقتبس ۱۶۳/۳) و سلسله مقالات الغزالی راجع به جبر و اختیار در کتاب الفصول والفايات ابو العالی معری، مندرج در مجله الرسالة (سال ۷) و نیز سلسله مقالات محمد حسین هیکل پیرامون قسدریه و جبریه و اختیار و اضطرار در المقتطف (مجلد ۵۰ و ۵۱) از تحقیقات فراوان برخوردار است. (۱۹) در رأس مباحثی هم که درباره معتزله بیزبان فارسی شده

یادداشت ها :

- ۱- در تاریخ اسلام به گروهی هم که بعد از بیعت مسلمانان با حضرت علی ع در جنگ هجری که میان مخالفان بره زکورد ازفته «اعتزال» کردند، معتزله گفته اند. البته این فرقه کوچک را که سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن عمر نیز جزو آنان بوده اند هرگز نباید با فرقه عظیمی که بعداً بوجود آمد و مورد بحث ماست در آمیخت.
- ۲- صبح الاعشى ۲۵۱/۳. العلم الشامخ ۳۰۰. الملل - والنحل ۵۰/۱. المنية والامل ۲. السواعق المرسله ۱۸۵/۱-۱۷۶.
- ۳- العقد الفريد ۳۰۶/۱.
- ۴- الخطط از المقریزی ۱۶۹/۴.
- ۵- کتاب النوادر از ابو محمد محل اعرابی ۹۱/۱.
- ۶- تأویل مختلف الحديث ۹۶.
- ۷- مروج الذهب ۲۲/۶.
- ۸- بغية المرئاد ۶۷-۶۹. تاريخ الجهمية والمعتزلة ۴۴.
- ۹- المعتزلة ۹-۱۰.
- ۱۰- نهاية الاقدام ۱۰.
- ۱۱- کتاب الانتصار از ابو الحسن خياط ص ۱۲۶.

است می توان تحقیقات استاد ذبیح الله صفا را در تاریخ ادبیات در ایران و تحقیقات مرحوم عباس اقبال در کتاب خاندان نوبختی و استاد جلال الدین همایی در غزالی نامه همچنین بررسی های آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب را در جلد اول تاریخ ایران بعد از اسلام نام برد. مقاله مرحوم سعید نفیسی هم راجع به تاریخ علم کلام در اسلام (مجله دانشکده ادبیات [تهران] ج ۲ ش ۱) البته در این باب سودمند است. جزاینها نیز دیگر منابعی به زبان فارسی هست که این مقال گنجایش بر شمردن نام همه را ندارد.

- ۱۲- پتون در باب محنه و ماجرای امام احمد حنبل کتابی دارد سودمند.
- Patton, Ah. Ib. Hanbal and the 'Mihna', Leiden 1897.
- در دوره سلجوقیان نیز نظیر این داستانها تکرار شده است (در تاریخ ادبیات در ایران از استاد ذبیح الله صفا ۱۴۷/۲ -) درباره مسأله خلق قرآن که انگیزه این مجالس محنه بوده است بنگرید به کتاب مرهم العلل المعضلة از یاقعی ص ۱۸۴.
- ۱۳- غزالی نامه ۸۰.
- ۱۴- الفهرست «المقالة الخامسة في الكلام والمتكلمين».
- ۱۵- ارشاد الاريب (معجم الادباء) ۱۰۶/۶-۱۱۰.
- ۱۶- کتاب الانتصار ۴۹-۲-۲۵۲.
- ۱۷- المنية والامل ۸۰-۸۱.
- ۱۸- رجوع شود به خاندان نوبختی از مرحوم عباس اقبال ص ۱۴۰-۱۶۱ و مقدمه آقای دکتر مشکور بر کتاب المقالات والفرق یز - کج.
- ۱۹- مصادر الدراسة الادبية ۲۹۷/۱.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی